تصویر سه معنا برای قاعده فراغ (تنزیل شک به منزله یقین، عفو، اذکریت حین العمل)

10:45

مطالب دیروز به اینجا رسید. برخی تذکر دادند. اینکه من روی قاعده فراغ تأکید کردم، نخواستم بگویم که اینها دلیل است. اینها در ذهن شریف شما معلوم است. بلکه شواهدی آوردم برای تحریک ارتکازیات. و الا اگر بگوییم در همان طواف واجب، در رکعتین اولتین، قاعده فراغ می‌گوید خب شک داشتید بگو انشاءالله انجام داده‌ای. معلوم نیست همه قبول کنند که قاعده فراغ به این صورت می‌گوید. من همینطور روی ارتکاز گفتم تا روی آن فکر کنید. و الا اگر کسی نگاه خود را به قاعده فراغ عوض کند و تحلیلی ارائه بدهد عرض من دلیلی بر در او نمی‌شود. مثلاً قاعده فراغ را از باب حکومت بگیرد؛ لانّک قد فرغت عن عملک فأنا ادعی حکومةً انک موقن. پس منافاتی ندارد که یقینی جزء مأمور به باشد اما قاعده فراغ حکومتا بگوید انت موقن. یعنی من یقینی را قبول دارم. ای عفو کند. قاعده فراغ می‌گوید که من عفو کردم. یقینی جزء آن بود اما عفو بعد از عمل است.

شبیه آن را عرض می‌کنم. حتی در یقین اینچنین است. می‌گوید وقتی از نمازت فارغ شدی و سلام دادی، اگر قاطع شدی که نمازِ چهار رکعتی را سه رکعتی خواندی عفوت می‌کنم. این حرام است؟! محال است؟! این روشن است که مانعی ندارد تا عفو کند. بگوید چون از سلام فارغ شدی ولو قاطع هستی که نماز را سه رکعت خوانده‌ای اما من تو را عفو می‌کنم. این یعنی چه؟ یعنی من ادعاء نگفتم که تو چهار رکعت خوانده‌ای تا حکومت باشد، من می‌گویم که تو سه رکعت خوانده‌ای. خودت هم می‌دانی که سه رکعت خوانده‌ای. اما من فعلاً در این مورد خاص از یک رکعت مأمور به دست برداشته‌ام. اینکه قاعده فراغ از باب عفو باشد. باز این عرض من نیست. آن چه که من عرض می‌کنم روی ارتکازی است که همه دارید. قاعده فراغ نه تنزیل و حکومت است، نه عفو است. قاعده فراغ این است: بگو انشاءالله درست انجام داده‌ای. با قطع نظر از اذکریتی که در خود دلیلش آمده است، بگو انشاءالله درست انجام داده‌ام. یعنی شارع نه تو را موقن فرض کرده و نه تو را عفو کرده است. چون علم نداری بگو انشاءالله درست انجام داده‌ای.

اگر این ارتکاز باشد آن وقت شاهد می‌شود –نخواستم استدلال بیاورم- برای عرض های دیروز من. آدم می‌بیند که اگر یقینی جزء مأمور به باشد و اگر آن برود دیگر مأمور به نیست و مأمور به دیگر بر آن منطبق نمی‌شود، می‌بیند که اینطور نیست. یقین مکلف کارساز است، نه اینکه جلوی انطباق قهری را بگیرد.

شاگرد: قاعده فراغ چرا عفو نیست؟

استاد: من نگفتم حتماً نیست. من عرض کردم روی استظهار سومی که آلآن عرض کردم این است. سه احتمال بود. هم تنزیل بود که انت موقن، ای عفو بود که من بخشیدم ولو نکردی. ای اینکه بگو انشاءالله انجام دادهام. نه عفو کردهام و نه تنزیل است. بلکه تقریر سوم است. گمان من این است که ارتکاز نوع ما از قاعده فراغ این سومی است. حال اگر عفو است حرف دیگری است. اگر عفو بود که با قطع هم سازگار بود. هیچ احدی قاعده فراغ را در قطع جاری نمیکند.

شاگرد: انشاءالله همان عفو است.

استاد: نه، بگو انشاءالله انجام دادهام.

شاگرد: اگر درواقع نکرده بودیم چه میشود؟

استاد: اگر قاطع شدی که نکردی قاعده فراغ کنار میرود. اما اگر عفو بود حتی اگر قاطع میشدی همچنان عفو بود. خدا عفو کرده. قاطع هستم که انجام ندادهام، خب خدا عفو میکرده. تمام شد. عمل گذشت. ببینید عفو با قطع هم سازگار است. اما در تقریر سوم با قطع سازگار نیست. اگر قاطع شدی که نکردی، قاعده فراغ میگویی بگو انشاءالله انجام دادهام، درحالیکه تو قاطع هستی که نکردی. پس دیگر جای قاعده فراغ نیست. تقریرها تفاوت میکند در آثار اینکه قاعده را چطور نگاه بکنید.

شاگرد۲: تحلیلهای اثباتی که میفرمایید در ثبوت قاعده فراغ هم تأثیر میگذارد.

استاد: اگر در مقام مدیریت امتثال باشد نه. اگر لسان قاعده فراغ مدیریت امتثال عبد در حکم واجب باشد، در اینجا میتواند ادله مختلفی بیاید که در طول حکم ثبوتی هم قرار بگیرد، تصرفی هم در حکم ثبوتی نکند.

شاگرد: شما موضوع را عوض کردید. گفتید اگر قطع داشته باشم. درحالیکه قاعده فراغ برای شک است.

استاد: میگویم که قاعده فراغ را چطور تحلیل کنیم. تنزیل است؟ شارع میگوید من أدعی انک موقن؛ شما همه چیز را بهخوبی انجام دادهاید. اینطور است؟ یا من میگویم تو را عفو کردم؟ یا میگویم بگو انشاءالله درست انجام دادهام. این سه تحلیل تفاوت میکند.

> 16:16

شاگرد۲: عفو کردم ولو بعداً هم قطع پیدا کنی.

استاد: نه، کسی این را نگفته. من نگفتم قاعده فراغ برای قطع است. میگوید قاعده فراغ اگر عفو باشد ولو قطع هم شود با آن سازگاری دارد. نه اینکه قاعده فراغ برای قطع باشد. این را احدی نگفته و من هم تخیلش نکرده بودم. من دارم تفاوت نگاه به قاعده را عرض میکنم. وقتی نگاه شما به قاعده فراغ نگاه عفو است... .

شاگرد: کسی که عفو را میگوید... .

استاد: ولی شارع در صورت قطع عفو نکرده است.

شاگرد: عفو برای جایی است که شما درواقع شک دارید و خدا آن را می‌بخشد. ولی اگر قطع پیدا کردید که دیگر عفو نمی‌آید. عفو یعنی اگر شک دارید که درواقع کوتاهی شده خدا می‌بخشد. نه اینکه اگر قطع دارید اشتباه کرده‌ای باز هم جاری می‌شود و می‌گویی‌م اشکالی ندارد.

استاد: یعنی محال است که با قطع، عفو کند؟

شاگرد: بله، چون موضوعش شک است، برای قاطع نیست.

استاد: ما می‌گویی‌م موضوع آن فارغ است، نه شک. می‌گویی‌م اذا فرغت فعفوت.

شاگرد: فرض شک است.

استاد: از کجا می‌گویی‌د؟

شاگرد: کسی که قطع دارد نمازِ چهار رکعتی خود را سه رکعتی خوانده، واضح است که باطل است.

استاد: خب خدا می‌گوید چون خواندی و رفتی من بخشیدم. در طواف، روایتش بود. در باب طواف چند روایت بود که با آن‌ها معارض بود. می‌گوید من شک کردم که شش شوط انجام دادم یا هفت تا. حضرت می‌فرمایند اعاده کن. می‌گوید رها کردم و رفتم. حضرت می‌فرمایند لاشیء علیک. یعنی ولو شش تا کردی؟!

شاگرد: چون قطع ندارد، شک دارد. شما می‌گویی‌د قاعده فارغ جایی را هم که شخص قاطع است که نمازِ چهار رکعتی را سه رکعت خوانده، می‌گیرد.

استاد: من نمی‌گویی‌م می‌گیرد. من می‌گویی‌م اگر گفتید عفو است، لذا همانطوری که خداوند می‌تواند مشکوک را عفو کند، می‌تواند مقطوع را هم عفو کند. اما اگر گفتید بگو انشاءالله درست انجام داده‌ام، لسان انشاءالله نمی‌تواند مقطوع را بگیرد. بله، شما می‌گویی‌د ولی در قاعده فارغ مقطوع را نگفته است، من هم که حرفی ندارم. من هم با شما موافق هستم. اما بنابراین که در قاعده فارغ عفو مبنای شارع بوده، اگر مقطوع الترک را هم بگیرد مشکلی نیست. اما اگر مبنای قاعده فارغ بر این باشد که انشاءالله انجام داده، نمی‌تواند مقطوع را بگیرد. بیان من روشن است. من نمی‌خواهم بگویم قاعده فارغ شامل مقطوع می‌شود. من می‌خواهم بگویم نگاه به قاعده فارغ آثاری دارد. کما اینکه وقتی می‌گویی‌د انت موقن، با لسان حکومت هیچ مانعی ندارد.

ببینید حکومت در کثیری الشک چه می‌گوید؟ می‌گوید «اقطع انک شاک ولکن اقول بالحکومة انت لست بشاک». این حکومت هست یا نیست؟ الآن همین ناظر را در یقین ببرید. می‌گوید یقین دارم که سه رکعت خوانده‌ام. به تنزیل چه می‌گوید؟ می‌گوید ادعا می‌کنم که تو چهار رکعت خوانده‌ای. این محال است؟! می‌گوید چون فارغ شدی ادعا می‌کنم که چهار رکعت خوانده‌ای. لذا رها کن و برو. ببینید شما با لسان حکومت با قطع به سه رکعت هم مشکلی ندارید. حکومت است. می‌گوید من می‌گویم که تو چهار رکعت خوانده‌ای. ادعا است. همانطور که در شاک می‌گویم تو شاک نیستی، به تو که سه رکعت خوانده‌ای هم می‌گویم چهار رکعت خوانده‌ای، ادعاءً و حکومةً. این محال نیست. وقتی قاعده فارغ را به حکومت تقریر کردید، فرض قطع را هم به‌صورت حکومت می‌توان بیاورد. ولو نمی‌گویی‌م الآن این کار را کرده است. می‌گویی‌م می‌توان با این مبنا این کار را بکند. اما اگر گفتید قاعده فارغ نه حکومت است و نه عفو است، بلکه قاعده فارغ می‌گوید چون شک دارید انشاءالله درست انجام داده‌ای، طبق این بیان نمی‌توان گفت وقتی من قطع دارم درست انجام داده‌ام، بگو که انشاءالله درست انجام داده‌ای. با هم جور نیست.

شاگرد: در اینجا احتمال چهارمی هم ممکن است. موضوع قاعده مرکب از فراغ و شک باشد که نتیجه اش این می‌شود که شارع عفو کرده باشد. شما فرمودید عفو برای جایی است که فراغ باشد. احتمال چهارم برای جایی است که شک و فراغ با هم جمع شود.

استاد: مانعی هم ندارد. همینطور هم هست. قاعده فراغ برای شک است. اما اینکه این شک به‌معنای عفو است یا نه، صحبت اینجا است. الآن شما می‌گویید عفو. اما اگر لسانش این است که بگو انشاءالله انجام داده‌ام. این انشاءالله به این معنا نیست که الآن من عفو کرده‌ام. بلکه بگو خود من انجام داده‌ام. شاهد آن در روایتش چیست؟ «انه حین یصلی اذکر منه حین یشک». نماز تمام شده و شک می‌کنید. به امام می‌گویید که چه کار کنم؟ می‌گویند وقتی نماز می‌خواند که اذکر از بعد از نماز است که شک می‌کند. الآن این لسان لسان عفو است؟! شما بگویید. من وارد اذکر نشدم. تنها اشاره کردم.

حضرت وقتی می‌خواهند فراغ را بگویند می‌گویند «حین یصلی اذکر منه حین یشک بعد الفراغ». این اذکر یعنی من او را بخشیدم؟ نه، یعنی ببین آن وقت حواسش جمع‌تر بود. انشاءالله انجام داده است. نه اینکه یعنی من او را بخشیدم. این‌ها لسان هایی است که تا قاعده فراغ را چطور معنا کنیم.

شاگرد: این فرمایش شما ذیل حفظ نظام و تسهیل است؟

استاد: بله، مانعی ندارد.

بازبینی #1
ایجاد شده 30 مه 2026 13:10:48 توسط ... .
به روزرسانی شده 30 مه 2026 13:13:14 توسط ... .